

بعد از شَبَات، در سپیده‌دم نخستین روز هفته،
 مریم مَجْدَلِیّه و آن مریم دیگر به دیدن مقبره
 رفتند. 2. ناگاه زمین لرزه‌ای شدید رخ داد، زیرا
 فرشته خداوند از آسمان نازل شد و به سوی
 مقبره رفت و سنگ را از برابر آن به کناری
 غلتانید و بر آن بنشست. 3. چهره آن فرشته
 همچون برق آسمان می‌درخشید و جامه‌اش
 چون برف، سفید بود. 4. نگهبانان از هراس
 دیدن او به لرزه افتاده، چون مردگان شدند!
 5. آنگاه فرشته به زنان گفت: «هراسان مبادید!
 می‌دانم که در جستجوی عیسی مصلوب
 هستید. 6. او اینجا نیست، زیرا همان‌گونه که
 فرموده بود، برخاسته است! بیایید و جایی را
 که او خوابیده بود، ببینید، 7. سپس بی‌درنگ
 بروید و به شاگردان او بگویید که "او از
 مردگان برخاسته است و پیش از شما به جلیل
 می‌رود و در آنجا او را خواهید دید." اینک به
 شما گفتم 8. «پس زنان با هراسی آمیخته به
 شادی عظیم، بی‌درنگ از مقبره روانه شدند و
 به سوی شاگردان شتافتند تا این واقعه را به



انان خبر دهند. 9. ناگاه عیسی با ایشان روبه‌رو شد و گفت: «سلام بر شما باد!» زنان پیش آمدند و بر پایهای وی افتاده، او را پرستش کردند. 10. آنگاه عیسی به ایشان فرمود: «مترسید! بروید و به برادرانم بگویید که به جلیل بروند. در آنجا مرا خواهند دید.»

چقدر عید رستاخیز در تناقض با زندگی روزمره ما است! پس از آنکه عیسی به طرز وحشتناک شکنجه ، و کشته شده بود و پس از آنکه سنگ عظیم جلوی قبرش مانند تاس غلتید و نگهبانان از هراس دیدن فرشته به لرزه افتادند، و مثل مردگان شدند ، فرشته آنگونه روی سنگ نشست بود که گویی هیچ چیزی غیر معمولی اتفاق نیفتاده بود. فرشته آنگونه روی سنگ نشست بود که انگار مثل یک آدم عادی منتظر اتوبوسی به سمت شهر بود. برای فرشته ، زنده شدن چشمگیر عیسی از مردگان و غلتیدن سنگ بزرگ از قبر ، واقعاً بخشی از تجارت روزمره او بود! فرشته می‌تواند آنچه را که از چشم ما پنهان شده است ، ببیند. برخلاف ما انسان های فانی فرشتگان می‌توانند از دیدگاه خدا ببینند. و نکته جالب در مورد داستان عید پاک دقیقاً همین است. فرشته ای به نیای فانی ما آمد و بر روی سنگ مثل انسان ها نشست و در مورد سهم خدا و بهشت چنان صحبت کرد که گویی چیزی معمولی است. و این اصلاً اتفاقی نیست. وظیفه او همین بود که چشمان انسانها را به چیزی غیر معمولی و به دیدگاه خدا باز کند. این فرشته به ما انسان ها نشان داد که می‌توانیم معجزه‌های رستاخیز کردن مردگان را اینگونه ببینیم که گویی بخشی از زندگی معمولی است. اولین افرادی که این پیغام شادی را از فرشته شنیدند ماریم مَجْدَلِیّه و ماریم دیگری بودند. او می‌دانست این دو زن با دیدن "لباس" خاصی فرشته چقدر شوک خواهند شد. به این دلیل بدون تهدید روی سنگ نشست و به زنان گفت نترسید. و مهمتر از همه ، این زنان ابتدا باید بدانند چه خبر جدیدی است: شما به دنبال مصلوب شده هستید! اما او اینجا نیست! او رستاخیز کرده است! بیایید با چشمانتان جای خالی او را ببینید.

جماعت عزیز! کاری که فرشته در این اولین یکشنبه عید پاک انجام داد، همین بود که به زنان اجازه داد که برای اولین بار در مورد رستاخیز کردن عیسی صحبت کنند. بسیاری از نسل های بعد از آنها هم اجازه‌ی همین کار را یافتند. امروز نیز می‌توانیم این را انجام دهیم. ما این امتیاز و مسئولیت بزرگ را داریم که آنچه را که از چشم دیگران پنهان مانده است منتقل کنیم. عیسی مرده بود! اما ببینید او زنده است! عیسی امروز هم زنده است! و این دقیقاً همان چیزی است که باید هرچه بیشتر به مردم بگوییم. زیرا خداوند فرشته را دقیقاً به همین منظور فرستاد! خدا می‌خواهد که ما بدانیم عیسی رستاخیز کرده است! خدا می‌خواهد که ما بدانیم مرگ حرف آخر را نمی‌زند! خدا می‌خواهد که ما بدانیم جاودانگی در زمان ما طلوع کرده است. آنچه از دید انسانهای فانی پنهان شده بود ، اکنون آشکار شده است. باید فاش شود که عیسی زنده است. و باید فاش شود که عیسی به ما حیات می‌بخشد! از آنجا که عیسی زنده است ، مرگ نمی‌تواند به او غلبه کند. از آنجا که عیسی زنده است ، مرگ نیز نمی‌تواند برای همیشه ما را در چنگال خود نگاه دارد. مردم سعی کردند عیسی را بکشند. ولی آنها نمی‌توانستند آن کار را انجام دهند. مردم نسل های بعد تا اکنون سعی کرده اند کلیسا و مسیحیان را نابود کنند. امروز هم آنگونه است. بسیاری از نسل ها تلاش کرده اند کلیسا را نابود کنند. آنها کلیسا را آزار داده اند. مسیحیان را به زندان انداخته اند و آنها را تا حد مرگ شکنجه کرده اند! و با این

وجود کلیسا همیشه رشد کرده ، خصوصاً تحت آزار و اذیت. آنها نمیتوانستند کلیسا را نابود کنند زیرا کلیسا در ارتباط با عیسی زنده است. ما مسیحیان با بنیانگذار زنده سر و کار داریم. در آنجا که عیسی است زندگی جدید باید طلوع کند. و هرکسی که با او تماس داشته باشد طبیعتاً زندگی عیسی را نیز در خود خواهد داشت. و به همین دلیل است که دیگر هیچ چیز در این دنیا نمی تواند ما را بترساند. و ما می توانیم در شرایط وحشتناک مثل فرشته روی سنگ بنشینیم و خونسرد بمانیم چون اعتقاد داریم که عیسی در نزد ماست. فرشته جلوی قبر عیسی ، اولین شاگردان و ما که امروز زندگی می کنیم از طرف خداوند مأموریت داریم که علیه مرگ صحبت کنیم و علیه مرگ عمل کنیم. ما باید علیه همه اخبار وحشتناک صحبت کنیم! همچنین اجازه داریم علیه بیماری و مرگ که بر ضد ما هستند صحبت کنیم. ما می توانیم رستاخیز کردن عیسی را بر ضد همه آنها اعلام کنیم! می دانیم که مرگ و همه محصولات جانبی آن وحشتناک است! می دانیم که افراد زیادی هستند که زندگی مایوسانه را بر گزینند زیرا دیگر امیدی ندارند. شیطان ابزارهای زیادی دارد که ما را از طریق آنها به خاک بیاورد. یکی از اینها مواد مخدر گوناگون هستند. شحص دیگری ناامید است زیرا همه چیزهایی که او سعی کرده است همیشه با نامه امتناع رد شده اند. فرصتی برای یافتن کار ندارد! فرصتی برای ساختن آینده وجود ندارد! دیگری ، عشق و اعتماد به مردم را از داده است. دیگری نمی تواند از عمق قلب خود بخند و احساس خوبی داشته باشد! همه این موارد وضعیت دنیای ما است که می خواهد ما را در قبر افسردگی و ناامیدی فرو ببرد. ما دقیقاً مانند زنانی هستیم که به قبر عیسی رفتند. مریم مجدلیه و مریم دیگر متقاعد شده بودند که عیسی مرده بود. آنها فقط می خواستند ادای احترام به جنازه مرده کنند. بنابراین آنها مطمئن بودند که عیسی کشته شده بود! وقتی ما انسانها در یک بحران قرار داریم. یا وقتی اتفاق بدی می افتد ، فقط می توانیم بدی را ببینیم که بلافاصله جلوی چشمان ما آشکار است. ما از بحران مطمئن و ناامید هستیم و به هیچ وجه نمی توانیم ببینیم که طرف دیگری نیز وجود دارد. و دقیقاً به همین دلیل فرشته آمد. او زنان و ما را صدا کرد و می کند تا بتوانیم همه رنج ها را از دیدگاه خداوند ببینیم. "نترس!" مرگ حرف آخر را نمی زند! نترس! عیسی زنده است! و چون عیسی زنده است شما نیز باید زنده باشید.. مهم نیست که در حال حاضر در چه وضعیتی باشید. به زندگی شما مهر و موم زده شده است. سنگ سنگین از قلب شما بر داشته شده است. و فرشته ای روی سنگ در کنار آن می نشیند و تأیید می کند: به نام عیسی تعمیم یافت! سر نوشت شما فقط زندگی کردن است! و هیچ چیز دیگری نباید اختیار زندگی شما را به دست بگیرد. به جز خود عیسی زنده! حتی اگر یک بمب اتمی کل جهان ما را منفجر کند، آن قدرت در مقایسه با قدرتی که عیسی را از مرگ برانگیخت ، هیچ چیز نخواهد بود! و حتی اگر میلیاردها صدا به شما بگویند ، شما باید بمیرید! زندگی شما بی معنی است! شما هیچ شانسی ندارید! سپس تمام این کلمات چیزی در برابر کلماتی نیستند که می گویند: « در جستجوی عیسای مصلوب هستید. او اینجا نیست، زیرا همانگونه که فرموده بود، برخاسته است! بیایید و جایی را که او خوابیده بود، ببینید،! وقتی ما انسان ها با چیزی از دید خدا روبرو می شویم شوکه می شویم و احساس ناامنی می کنیم. به همین دلیل فرشتگان مجبور بودند بارها و بارها با صدای بلند فریاد بزنند: "نترسید!" فرشتگان مجبور بودند این کار را هنگام تولد عیسی انجام دهند. و هنگامی که عیسی دریا طوفانی را آرام کرد ، مجبور بود دوباره بگوید : "نترسید!" چه معجزه آساست که من و شما مجاز به شنیدن این کلمه هستیم. به خصوص در مکانی که آسمان و زمین به هم می رسند.

چه معجزه ای ، وقتی سرانجام پس از یک زندگی طولانی می توانیم آن صدا ی عیسی مسیح را بشنوم ، در آن زمان خدا همراه با عیسی خواهد بود و بسیاری از فرشتگان که دور آن خواهند نشست و خواهند گفت: "نترسید!" نترسید ، زیرا اکنون قوانین دیگری عمل می کنند. مرگ حرف آخر را روی زمین می زند. وقتی عیسی را رو در رو می بینیم ، دیگر هیچکدام از قوانین آن مرگ عمل نمی کند. زیرا در این صورت یکی که رستاخیز کرده است حرف آخر را می زند. عیسی کسی است که به خاطر گناه و ضعف تو مرده ، و برای سود تو رستاخیز کرده. این عیسی است که در مورد زندگی تو نیز حرف آخر را می زند. و هیچ کلمه ای در بهشت و جهنم وجود ندارد که بتواند چیزی علیه حرف عیسی بگوید: نترسید! آمین